

مبانی، اصول و مباحث برنامه‌ریزی درسی تعلیم و تربیت در دوره دبستان

مهدی نوروزی*^۱، سید احمد هاشمی^۲، عباس قلتاش^۳، محمد کارگر^۴، شهناز دهقان باغ یزدانی^۵

چکیده

هدف از اجرای این تحقیق، بررسی مبانی و اصول و مباحث برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان است. برنامه‌ریزی درسی یکی از ابزارهای مدیریت است که زمینه منطقی اتخاذ تصمیم را فراهم می‌سازد. برنامه‌ریزی، کوششی است آگاهانه و منظم برای انتخاب بهترین روش موجود برای دستیابی به اهداف مخصوص. بنابر این، برنامه‌ریزی درسی، به تدابیری اطلاق می‌شود که در محیط آموزشی اجرا می‌شود. این تدابیر شامل مولفه‌های اهداف، روش‌های یادگیری، انتخاب محتوا، تجربیات فراگیران، تکنولوژی آموزشی، زمان، مکان و همچنین ارزشیابی می‌شود. مراحل برنامه‌ریزی، شامل تعیین هدف، انتخاب روش و وسیله، اجرا و ارزشیابی است. در اصل برنامه‌ریزی، یک طرحی است که باید گام به گام و مطابق اصولی خاص پیش برود. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه‌ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته‌های محقق استفاده شده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی درسی، دوره دبستان، مبانی، اصول، مباحث

-
- ۱- دانشجوی دکتری گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران mehdi_nourozi@yahoo.com
 - ۲- دانشیار و عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران hmd_hashemi@yahoo.com
 - ۳- دانشیار و عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران gholtash578@yahoo.com
 - ۴- استادیار و عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران m.kargar@yahoo.com
 - ۵- دانشجوی دکتری گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران sh.d.baghdani@gmail.com

مقدمه

ابعاد مختلف به برنامه‌ریزی می‌پردازند. آموزش و پرورش نیز برای دست‌یابی به اهداف خود در زمینه‌های گوناگون، به برنامه‌ریزی نیازمند است. با توجه به اهمیت آموزش و پرورش در هر کشور و تاثیر آن بر زندگی شهروندان، به جرات می‌توان گفت، که امروزه توجه به امر برنامه‌ریزی در این نهاد، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. یکی از انواع برنامه‌ریزی در نظام تربیتی، برنامه‌ریزی درسی است (هاشمی، ۱۳۹۴).

اوج موفقیت برنامه‌ریزی درسی، زمانی است که به تمام مولفه‌های تاثیرگذار در برنامه‌ریزی درسی توجه شود و قابلیت‌های آن را برای پرورش بیش‌ترین ابعاد وجودی دانش‌آموزان به کار گرفته شود. به بیان دیگر، آن گونه از برنامه‌ریزی، موفقیت‌آمیز است که به رشد و پرورش تمام ابعاد شخصیت فرد، با توجه به استفاده درست از امکانات و شرایط کنونی فکر کند و آینده انسان‌ها را در نظر بگیرد. (بازرگان، ۱۳۹۰).

آموزش ابتدایی، به عنوان نخستین مرحله آموزش همگانی مطرح است. آموزش ابتدایی، کودکان را برای مقاطع بالاتر آماده می‌کند. چنان‌چه از نظر کمی و کیفی در سطح بالاتری ارائه شود، افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقاطع بعدی، کمتر می‌شود. اگر آموزش ابتدایی در سطح گسترده‌ای صورت بگیرد و اکثریت یا تمام کودکان واجب‌التعلم ایرانی را تحت پوشش قرار بدهد، می‌تواند، بی‌سوادی را در کشور ریشه‌کن کند.

آموزش و پرورش از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است. در واقع، کیفیت فعالیت سایر نهادهای اجتماعی تا اندازه زیادی، به چگونگی عملکرد آموزش و پرورش بستگی دارد. کیفیت در حال حاضر یکی از محورهای اصلی همه مباحث آموزشی است به طوری که ارتقای آن مهم‌ترین وظیفه وزارت آموزش و پرورش است. مقصود از آموزش و پرورش، همان آموزش و پرورش رسمی‌ای است که از دوره ابتدایی شروع و با اتمام دوره متوسطه به پایان می‌رسد و نهاد آموزش و پرورش کشور، وظیفه اجرای آن را بر عهده دارد (ندیمی و بروج، ۱۳۹۴).

امروزه و در قرن بیست و یکم توجه جدی به امر مهم آموزش و پرورش، از اهداف کلیدی و مهم دولت‌ها محسوب می‌شود. مخصوصاً افزایش کمی دانش‌آموزان با توجه به کمبود امکانات و منابع کیفیت بخشی به امور آموزشی و پرورشی را در اولویت اول برنامه‌ها قرار داده است. بی‌شک در حرکت به سمت جهانی شدن، کیفیت، یک عامل تاثیرگذار است. در روند توسعه صنعت و بازرگانی، یکپارچگی اقتصاد جهانی و رشد و اشباع بازار، کیفیت نقش اصلی را ایفا می‌کند به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین عوامل رقابت سازمان و موفقیت در بازارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌رود. (امیری و بهجتی، ۱۳۹۲).

برنامه‌ریزی، به عنوان یکی از عوامل موثر در شاخص‌های توسعه، اهمیت فراوان دارد. امروزه کشورهای مختلف برای دست‌یابی به توسعه، در

اساس اهداف تنظیم شده، محتوای آموزشی تهیه می‌شود و بر اساس اهمیت، حجم و جنس اهداف و محتوای در نظر گرفته شده برای هر حوزه، عناوین دروس و ساعت آموزش ویژه آن‌ها در دوره‌های تحصیلی مختلف (دوره‌های چهارگانه) تعیین می‌گردد». (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۱). بنابراین زمان، یکی از عناصر کلیدی برنامه درسی است که رابطه تنگاتنگی با عنصر هدف و محتوا دارد.

گرماپی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی بومی برنامه درسی دوره ابتدایی مبتنی بر مؤلفه‌های زیبایی-شناسی و هنر» را بیان نمودند. به این منظور ابتدا با بررسی مبانی نظری و دیدگاه صاحب‌نظران دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر، مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی به دست آمد. سپس میزان کاربردی بودن آنها از دیدگاه برنامه‌ریزان درسی دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران بررسی شد تا الگوی پیشنهادی بر اساس مؤلفه‌های مناسب طراحی و اعتباریابی گردد. نتایج تحقیق آنان نشان داد که: به کارگیری مؤلفه‌های ارائه شده در طراحی و تدوین برنامه درسی دوره ابتدایی، بستر مناسب را برای اجرای هنرمندانه و زیباشناسانه الگو در محیط اجرایی فراهم می‌سازد.

پیری و ادیب (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «الگوی بهینه برنامه درسی برای دوره پیش از دبستان» بیان نمودند، در ایران برای دوره آمادگی، الگوی نسبتاً جامع که دارای چهارچوب و سرفصل‌های مشخصی باشد و بتواند به همه

تحقیقاتی که در طی چندین دهه اخیر، گرفته‌اند، اهمیت سال‌های اول زندگی (از تولد تا هشت سالگی) را در رشد و تحول انسان به اثبات رسانیده‌اند، زیرا در اثنای این سال‌ها، مسیر زندگی افراد تعیین می‌گردد. مطالعات آنان بیانگر این مطلب هستند که تعلیم و تربیت اولیه و با کیفیت بالا موجب کاهش میزان ترک تحصیل، مردودی در سال‌های ابتدایی و لزوم به کارگیری تعلیم و تربیت ویژه در سال‌های آینده می‌شود. این اثرات مثبت، به صورت پس‌اندازهای قابل توجهی برای مالیات دهندگان در می‌آیند. (پیری و ادیب، ۱۳۸۸).

یکی از زیرنظام‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین، زیرنظام برنامه درسی است. بر اساس مفاد این سند، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب شده است. در برنامه درسی ملی به عنوان سند بالادستی برنامه‌های درسی، یازده حوزه تربیت و یادگیری به عنوان بستر دستیابی به اهداف مورد نظر تعریف شده است. در این سند آمده است که این «حوزه‌ها، حدود محتوایی، روش‌ها، فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری از پیش دبستان تا پایان دوره متوسطه را روشن می‌سازند. برای برنامه‌ریزی جهت رساندن دانش‌آموزان به اهداف مورد نظر، نیازمند نقشه راه یادگیری هستیم. به این نقشه راه یادگیری، «برنامه درسی» گفته می‌شود که محصول برنامه‌ریزی درسی است. از این رو برای هر یک از این حوزه‌های تربیتی یازده گانه، برنامه درسی خاصی (البته مرتبط با همدیگر) تدوین می‌گردد. برای این برنامه‌های درسی، بر

تشکیل دهنده برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری دانش آموزان، منابع و ابزار یادگیری، زمان، فضا، گروه‌بندی دانش آموزان، راهبردهای تدریس و روش‌های ارزشیابی تاثیر می‌پذیرد. تصمیماتی که در خصوص هر یک از منابع و یا عناصر گرفته می‌شود، ساختار و شکل برنامه‌ها متفاوت می‌شود و طرح‌های مختلفی از آن ناشی می‌شود. (مهرمحمدی، ۱۳۸۰).

برنامه ریزی درسی فقط تجربیات دانش آموزان را در بر نمی‌گیرد، بلکه شامل کتاب‌های درسی، موضوع‌های درسی، برنامه‌ریزی خود دانش آموز، علاقه دانش آموز و توجه معلمان به موضوعات جدید درسی است. موضوعات مربوط به یادگیری دانش آموزان، همان نقشی را ایفا می‌کنند که نقشه‌های جاده‌ها برای مسافرت به فرد نشان می‌دهند. همچنین در ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی، بررسی اساسی کیفیت زندگی دانش آموز که جزئی از پیامدهای برنامه ریزی درسی است، ضروری به نظر می‌رسد.

مسئله برنامه‌ریزی درسی، از موضوعات درسی دانش آموز در دوره دبستان فراتر است که باید به دانش آموز آموزش داده شود. هرچند انتخاب محتوای مناسب و مفید در برنامه درسی، مهم‌ترین مسئولیت برنامه‌ریزان درسی و معلمان پایه‌های دبستان است. به عبارت دیگر، محتوا تنها برنامه درسی را تشکیل نمی‌دهد، مگر این‌که محتوای درسی، قسمتی از تجارب اکتسابی کودک باشد.

مهم‌ترین کار برنامه ریزی درسی، هدایت زندگی دانش آموز است. برنامه ریزی درسی می‌

جوانب کودک توجه نماید، وجود ندارد. نتایج پژوهش این دو محقق نشان داد که، عناصر الگوی بهینه برنامه درسی شامل: اهداف کلی و جزئی، محتوا، سازماندهی محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های آموزشی و پرورشی، ارزشیابی، نقش مربی، نقش مدیر، نقش والدین در الگوی پیشنهادی است. همچنین، اعتباریابی الگوی پیشنهادی آن، بر اساس نظر اساتید مرتبط ۹۹،۶۲ است.

با تاکید بر مطالب فوق و نیز لزوم توجه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان، به اهمیت و ضرورت ارتقای کیفیت آموزشی در ارائه خدمات آموزشی و پرورشی، مقاله حاضر پس از تعریف معنا و مفهوم آموزش و تشریح برنامه‌ریزی درسی، به ارائه توضیحات مبانی، اصول و مباحث مربوط به برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان می‌پردازد. امید است که مقاله حاضر مورد استفاده دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور در حل معضلات آموزشی کشور و ارتقای کیفیت آموزشی دوره دبستان، در ارتباط با برنامه‌ریزی درسی قرار گیرد. بنابراین، این پژوهش به دنبال بررسی اهداف ذیل است:

✓ بررسی مبانی برنامه ریزی درسی در دوره دبستان

✓ بررسی اصول برنامه ریزی درسی در دوره دبستان

✓ بررسی مباحث برنامه ریزی درسی در دوره دبستان

طرح یا الگوی برنامه‌ریزی درسی علاوه بر تاثیرپذیری از منابع اصلی برنامه درسی، از عناصر

با توجه به شمول و جامعیت مفهوم آموزش و پرورش، معانی و برداشت‌های مختلفی از این واژه در ذهن متبادر می‌شود، از جمله:

۱. آموزش مادام‌العمر

این اصطلاح مبتنی بر یک مفهوم فلسفی است که آموزش و پرورش را فرآیندی درازمدت می‌داند. فرآیندی که از بدو تولد انسان‌ها آغاز و با مرگ آنها پایان می‌یابد. بنابراین، این اصطلاح تمام آموزش‌های فرد را، مانند آموزش‌های اولیه کودکی که از دامان والدین و نهاد خانواده شروع می‌شود و انواع سطوح و اشکال آموزش. رسمی، تمام اشکال آموزش مداوم و انواع آموزش غیررسمی را در بر می‌گیرد.

۲. آموزش رسمی

عبارت است از آموزشی منظم که معمولاً در مدارس و دیگر مؤسسات آموزشی صورت می‌گیرد. آموزش رسمی به طریقی سازمان داده شد که از سطوح ابتدایی ساده شروع و به سطوح عالی و دشوار و تخصصی خاتمه می‌یابد.

۳. آموزش مداوم

اصطلاحی است فراگیر، برای تمام اشکال آموزش و پرورش، از جمله برای آن عده که دست از آموزش رسمی در هر سطحی کشیده‌اند و آنان که به دنیای کار وارد شده‌اند و به طریقی مسؤلیت‌های افراد بزرگسال را پذیرفته‌اند.

۴. آموزش غیررسمی

به نوعی از آموزش اطلاق می‌شود که خارج از نظام آموزش رسمی بوده و به صورت پیوسته یا گسسته از نظر زمانی قابل اجرا است.

باید محیطی اساسی (به جای محیط بی‌نهایت موسع) و نظام‌مند، بررسی شده و ساده برای مقاصد ویژه باشد که با توجه به این برنامه‌ریزی، دانش آموز متوجه می‌شود که با چه روش نظام‌مندی برای درس خود مواجه است.

روش تحقیق:

تحقیقات روانشناسی و تجربیات صورت گرفته، تا حدودی نشان داده‌اند که می‌توان با برنامه ریزی درسی مناسب برای دانش آموز، یادگیری و علاقه به منابع درسی را در دانش آموزان پرورش داد. با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان، در این مقاله پیشنهاد می‌شود که در همه اهداف و برنامه‌ها به مبانی و اصول و مباحث برنامه ریزی درسی توجه شود، از این رو روش تحقیق حاضر، توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای است. بدین صورت که از منابع مختلفی نظیر «کتاب، مقاله، منابع خارجی و ...» و آموخته‌های محقق استفاده شده است.

مفهوم آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت، معادل فارسی عبارت انگلیسی Education است که عبارت است از تمام واکنش‌ها تاثیرات راهکارها، اثرات، راه‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی‌های فکری، معرفتی و همچنین مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار انسان به کار می‌رود، البته به طریقی که شخصیت انسان را تا حد ممکن، آن تعالی بخشند و یکی از ارزش‌های مثبت جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند، باشد (صفوی، ۱۳۹۶).

۵. آموزش عمومی

نوعی از آموزش است که برای توسعه مهارت‌های عددی و ارتباطی، از سطوح ساده به دشوار تنظیم شده است، این آموزش، شامل تحصیل عمومی، سواد برای خواندن و نوشتن، ریاضیات و نیز مفاهیم تاریخی، جغرافیایی، علوم اجتماعی و غیره می‌شود.

۶. آموزش فنی و حرفه‌ای

اصطلاح جامعی است که در برگرفته فرآیند آموزشی خاصی است، این اصطلاح علاوه بر آموزش عمومی، به مطالعه و بررسی تکنولوژی و فنون و علوم وابسته به آنها و تحصیل مهارت‌های فنی و دانش حرفه‌ای در بخش‌های اقتصاد و زندگی اجتماعی می‌پردازد. اهداف گسترده آموزش فنی و حرفه‌ای، آن را از آموزش حرفه‌ای که محدود به مهارت‌های خاص و دانش لازم برای یک حرفه به خصوص یا گروهی از حرف است، جدا می‌سازد.

۷. آموزش فنی

آموزشی است که برای بالاتر از دوره متوسطه و پایین‌تر از دوره آموزش عالی برنامه‌ریزی شده است که نیروی انسانی طبقه میانی سازمان (تکنسین‌ها، مدیران، رده‌های میانی) را تربیت می‌کند (صفوی، ۱۳۹۶).

با توجه به مفاهیم یاد شده، منظور از آموزش و پرورش در مقاله حاضر، همان آموزش و پرورش رسمی‌ای است که از دوره ابتدایی شروع و با اتمام دوره متوسطه به پایان می‌رسد و نهاد آموزش و پرورش کشور وظیفه اجرای آن را بر عهده دارد.

برنامه‌ریزی درسی مدارس ابتدایی

کارکرد برنامه درسی دوره ابتدایی به وسیله دو عامل اساسی تعیین می‌شود. از یک‌سو، میلیون‌ها کودک مدرسه رو در کشور وجود دارند. کودکانی با پتانسیل بسیار زیاد برای زندگی در جامعه، اما متفاوت از لحاظ توانایی و ظرفیت یادگیری. از سوی دیگر، در جامعه، مسائل بی‌شماری وجود دارند که باید برای بهبود و غنی‌تر کردن زندگی انسان‌ها، کارهایی انجام بگیرد. از این دیدگاه برنامه‌ریزی درسی تفکر ابزار گونه‌ای است که این دو عامل اساسی را به هم پیوند می‌دهد. پس برنامه درسی دوره ابتدایی، شامل تجاربی است که کودکان از طریق آن به خودشکوفایی می‌رسند یعنی در همان زمان یاد می‌گیرند که در ساختن جامعه خوب و برای بهتر زیستن همگان مشارکت کنند. بعضی دلالت‌ها و مفاهیم ضمنی این تعریف وسیع برنامه درسی در دوره ابتدایی از این قرار است:

۱- برنامه درسی تنها شامل تجربیات کودکان است. برنامه درسی تنها در کتاب‌های درسی یا در موضوعات درسی و یا در برنامه و علاقه و توجه معلمان به موضوعات و مسائل خاصی نیست. موضوعات یادگیری در واقع همان نقشی را دارند که نقشه جاده‌ها برای مسافرت لازم است. در ارزشیابی برنامه درسی بررسی دقیق کیفیت زندگی که پیامد برنامه درسی است، ضرورت دارد.

۲- برنامه درسی، فراتر از موضوعات درسی است که باید آموخته شود. گرچه انتخاب محتوای مفید و مناسب، مهم‌ترین مسئولیت برنامه‌ریزان

جامعه شکوفا شوند و گرنه، افراد قادر به مشارکت در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی نیستند. مثلا در این زمینه می‌توان به پرورش قوای تفهیم در کودکان اشاره کرد. در دوره ابتدایی، باید بین افراد تفاهم و توافق عمومی ایجاد شود. چون این امر سبب تقویت وجوه تشابه افراد می‌گردد. استعدادهای خاص، استعدادهایی هستند که در همه افراد به یک اندازه وجود ندارند و افراد، از نظر استعدادهای خاص متفاوت هستند. برخی از افراد در یک استعداد خاص از بقیه بالاترند و عده‌ای در استعداد خاص دیگری، مانند استعداد ریاضی، موسیقی، نقاشی برتر هستند.

۲. آشنا نمودن دانش آموزان با معارف

دینی: در دوره ابتدایی، باید دانش آموزان را با ساده‌گویی متناسب با هوش و توانایی‌هایشان با رموز خلقت، زندگی پیامبران، ائمه معصومین آشنا نمود.

۳. تقویت حس نظم، مسئولیت‌پذیری و

رعایت حقوق دیگران: در این دوره، باید نظم و انضباط، حس مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق دیگران و کنترل خود را به کودک یاد داد تا خودمداری، خودمحوری کودک، به تدریج تعدیل گردد. در اینجا باید تناسب اصل سندیت و اقتدار نیز رعایت شود.

۴. ایجاد بینش کافی نسبت به تمدن: در

دوره ابتدایی، باید کودکان را با علوم چون تاریخ، جغرافیا و اجتماعی آشنا نمود. هدف از آموزش چنین علوم در این دوره، این است که کودکان با زمان و مکان پیرامون خود، ارتباط

درسی و معلم است، اما محتوا تنها برنامه درسی را تشکیل نمی‌دهد، مگر این که محتوا، بخشی از تجارب کودک باشد.

۳. مهم‌ترین کار برنامه درسی، هدایت زندگی است. برنامه درسی باید محیط ویژه (به جای محیط بی‌نهایت وسیع) و نظام‌مند، بررسی شده و ساده برای مقاصد ویژه باشد.

۴. کار برنامه‌ریزان درسی، یادگیری تخصصی و آگاهانه است که برای هدایت استعدادها و علاقه‌های کودکان، به سوی مشارکت فعال و موثر در زندگی اجتماعی محلی و جامعه بزرگتر انجام می‌گیرد. هم چنین کار برنامه‌ریزان درسی کمک به کودکان در غنی‌تر کردن زندگی خودشان و مشارکت در بهسازی جامعه از طریق آشنا کردن آنان با اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌های سودمند است.

۵. مسئله برنامه‌ریزی درسی، تنها توجه به این نیست که کدام موضوع باید آموخته شود یا ذهن یادگیرنده تقویت شود و یا دانش او افزایش پیدا کند، بلکه باید به بهبود زندگی فرد و اجتماع نیز توجه شود (تقی پورظهیر، ۱۳۸۷).

اهداف آموزش و پرورش ابتدایی:

اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، مبنای تعیین روش‌ها، محتوا، سازماندهی محتوا، ارائه محتوا و سایر اجزای تعلیم و تربیت هستند.

۱- مهم‌ترین هدف در دوره ابتدایی،

پرورش استعدادهای کودکان است. منظور از استعداد، توانایی و قابلیت‌های بالقوه دانش‌آموزان است. استعدادها به دو دسته عمومی و خاص است. استعدادهای عمومی، باید در همه افراد

جوی وسیله و روشی باشند که اهدافشان را محقق بسازند. در این زمینه، هر روش و وسیله‌ای که اهداف بیشتر و مهم‌تری را پوشش دهد، مناسب‌تر است.

۳. اجرا و ارزشیابی: پس از تعیین اهداف

و انتخاب روش‌ها و وسایل مناسب، نوبت به اجرای برنامه می‌رسد. اجرا به دو صورت انجام می‌گیرد: ابتدا اجرای آزمایشی است که در این نوع اجرا، برنامه برای مدت و محدوده‌ای خاص به صورت آزمایشی اجرا می‌شود تا بدین وسیله نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود و کاستی‌های آن از بین برود. در مرحله اجرای آزمایشی، کاستی‌ها و نقاط ضعف برنامه، ارزشیابی می‌شود؛ اما ممکن است نقاط ضعفی هم وجود داشته باشد که در اجرای آزمایشی خود را نشان ندهد، پس در طول اجرای کامل برنامه نیز باید به صورت مستمر، ارزشیابی صورت گیرد و مشکلات برنامه برطرف گردد (هاشمی، ۱۳۹۴).

وضعیت برنامه ریزی درسی در سیستم آموزش و پرورش ابتدایی ایران:

مبتنی ساختن جنبه‌های عملی برنامه درسی بر وجوه نظری و الگوسازی برنامه درسی، مؤثرترین گام برای متمایزسازی برنامه درسی است.

برقرار کنند و نسبت به تمدن کشور خود، احساس تعلق کنند.

۵. آموزش اطلاعات بهداشتی، ایمنی،

قوانین و هنجارهای اجتماعی: کودکان در این دوره، از نظر فکری قادر به درک قواعد هستند. در نتیجه می‌توان هنجارهای اجتماعی، آموزش‌های بهداشتی و ایمنی را به آنها ارائه نمود. مدرسه در دوران ابتدایی، از طریق آموزش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، به کودکان، می‌فهماند که لازمه زندگی اجتماعی، رعایت حقوق دیگران است (صافی، ۱۳۸۸).

مراحل برنامه‌ریزی:

برنامه‌ریزی، یک طراحی است که باید گام به گام و مطابق اصولی خاص پیش رود. در اینجا، این مراحل به صورت ترتیبی معرفی می‌گردد:

۱. تعیین هدف: انسان‌ها برای انجام دادن

کارهای مختلف، از کارهای پیش پا افتاده شخصی تا پروژه‌های علمی، نیازمند مشخص کردن ارزش‌گذاری‌ها، قضاوت‌ها، گردش‌ها، انتخاب‌ها و ترجیحات خود هستند که به آنها هدف از انجام آن کار می‌گویند. البته قبل از تعیین هدف در هر کار، باید محدودیت‌ها، امکانات و توانایی‌ها را شناخت و بر مبنای آنها تصمیم گرفت. این مرحله به تمامی مراحل و تصمیم‌گیری‌های بعدی در راستای برنامه‌ریزی، جهت می‌دهد و بدین علت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. انتخاب روش و وسیله: گرچه با

سپری کردن مرحله‌ی نخست، مهم‌ترین مرحله در برنامه‌ریزی صورت گرفته است، اما کار برنامه‌ریزان همچنان ادامه دارد. آنها باید در جست و

جدول شماره ۱- وضعیت برنامه ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش ابتدایی ایران

مفهوم غالب در هر شاخص	شاخص‌های برنامه ریزی درسی
مفهوم محصول	مفاهیم برنامه درسی
مبانی دینی	مبانی برنامه درسی
الگوی مبتنی بر سیاست عمومی و حکومت مدارانه	الگوهای سیاست گذاری در برنامه ریزی درسی
نهادهای و مراجع رسمی ملی	ذینفعان برنامه درسی
الگوی طراحی برنامه درسی دیسپلین-محور	الگوهای طراحی برنامه درسی
عنصر محتوا	عناصر اساسی برنامه درسی
محصول کتاب درسی	محصولات برنامه درسی
نقش آموزشی	نقش‌های معلمی در برنامه درسی
الگوی ارزشیابی هدف-محور	الگوهای ارزشیابی در برنامه درسی
پارادایم سنتی	پارادایم‌های برنامه درسی

دانش و اطلاعات، شاخص‌های اصلی ناکارآمدی این رویکرد محسوب می‌شوند (شریفی، ۱۳۹۲). از میان سطوح مختلف تحصیلی، دوره ابتدایی از سطوح حساس و مهم تعلیم و تربیت است که در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و شهروندی دانش‌آموزان، دوره ای مهم و قابل توجه است. مدارس ابتدایی با تدارک فرصت‌ها و برنامه‌های تعلیمی و تربیتی در افزایش دانش، گسترش درک و شناخت و توسعه مهارت‌های مطلوب شهروندی نقش بسزایی دارند. به ویژه در پایه‌های چهارم و پنجم، باید به دلیل ملاحظات رشدی، موضوع تربیت شهروندی، مورد توجه بسیار قرار گیرد (قلتاش، ۱۳۸۸).

با این وجود، اگر بپذیریم که دوره ابتدایی، جایگاه مناسب و مهمی برای آغاز آموزش و تربیت شهروند جهانی است، بی‌شک برنامه درسی و محتواهای آموزشی و تربیتی بستر اساسی این آموزش و تربیت است. اما نکته قابل توجه آن است که طراحی و تدوین برنامه درسی مفید و مطلوب پیرامون شهروند جهانی است. زیرا هر چه حوزه معرفتی در این رابطه کامل‌تر

مطابق یافته‌های اشاره شده در جدول شماره ۱، در نظام آموزش و پرورش دوره ابتدایی ایران، تلقی برنامه درسی، محصول گرایش غالب است. همچنین، در این نظام، محتوا به منزله عنصر اصلی و کتاب درسی در حکم محصول اصلی شناخته شده است. همچنین یافته‌های جدول شماره ۱، نشان می‌دهند که در نظام برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی ایران الگوی مبتنی بر سیاست عمومی و حکومت‌مدارانه به منزله الگوی اصلی سیاست‌گذاری و نهادهای و مراجع رسمی، در حکم ذینفعان اصلی این برنامه‌ها تلقی می‌شوند. دیسپلین محوری، به منزله الگوی اصلی طراحی در نظام برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی ایران شناخته شده است. اما در زمینه کارآمدی این الگو، تردیدهای جدی وجود دارد. منتقدان رویکرد دیسپلین محوری معتقدند که گسترش سریع دانش و اطلاعات، گسیختگی و پراکندگی بخش‌های گوناگون برنامه‌های درسی، عدم ارتباط آن با واقعیت‌های زندگی شخصی و اجتماعی یادگیرندگان و عدم انطباق با گسترش سریع

۷. دانش‌آموزان طوری آموزش ببینند که مهارت-های درونی‌شان گسترش یابد و آموخته‌هایشان تا بزرگسالی باقی بماند (انجمن والدورف دانشکده‌های آمریکای شمالی^۱، ۲۰۱۴).

اصول برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان:

برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان دارای یک سری اصول است که معلمان باید با توجه به آن اصول، برنامه‌ریزی درسی را برای دانش‌آموزان انجام دهند.

۱. مرحله طراحی:

معلم به طراحی دوره می‌پردازد، یعنی چگونگی محتوا، ارائه، سازماندهی محتوا، ارزشیابی، روش‌های آن مشخص می‌شوند. طراحی، برنامه‌ای از پیش تعیین شده‌ای برای اجرا و ارائه تعلیم و تربیت است. در طراحی، اهداف رفتاری، روش‌های تدریس، شرایط و فضای یادگیری، گروه‌های یادگیری، منابع مادی و انسانی، وسایل کمک آموزشی، انواع ارزشیابی و نحوه ارزشیابی مشخص می‌گردند. پس از مرحله اجرا، به ارزشیابی می‌پردازیم. گام اول در برنامه‌ریزی درسی، تعیین هدف است. در برنامه‌ریزی درسی، اهداف کلی باید مشخص شوند و از آنها به اهداف جزئی برسیم و اهداف جزئی را به اهداف رفتاری تبدیل کنیم. منظور از اهداف رفتاری، اهدافی است که مقصود معلم را از آموزش، به صورت رفتار قابل مشاهده و اندازه‌گیری مشخص می‌کنند. به صورت دقیق، آن نوع رفتاری است که از افراد، در پایان درس انتظار داریم، یعنی سطح توقع ما را از دانش‌آموز

باشد، می‌توان در تصمیم‌گیری برنامه‌درسی تربیت شهروند جهانی کاستی‌ها و اشکالات کمتری را مشاهده کرد (فلتاش و همکاران، ۱۳۹۱).

مبانی برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان:

مبانی دینی به منزله مبانی اصلی در همه ارکان برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش ایران مورد تاکید است. البته این امر پدیده‌ای نوظهور نیست، زیرا مطالعات تاریخی نشان می‌دهند که از زمان شکل‌گیری نهادهای آموزشی در ایران، هم در دوره‌های باستان، هم در دوره‌های گسترش اسلام و نیز در دوره معاصر، هیچ‌گاه برنامه آموزش ابتدایی ایران خالی از اهداف آموزش دینی نبوده است. البته اهداف آموزش دینی در طول عمر آموزش‌های نوین، گسترده‌تر شده‌اند و صراحت بیشتری یافته‌اند و روش آموزش نیز دستخوش تحولات جدی شده است (شریفی، ۱۳۹۲).

«والدورف» مبانی برنامه‌ریزی درسی در دوره دبستان را به شرح ذیل بیان می‌کند:

۱. از آنجا که انسان‌ها متفاوت هستند، نمی‌توان همه را مشابه آموزش داد.
۲. باید امکاناتی فراهم شود که هر کودک با آزادی، میل به یادگیری داشته باشد.
۳. آموزش نباید تحت تأثیر نرم‌های اجتماعی قرار گیرد، بلکه آن را باید با توجه به نیازهای کودک و نوع پیشرفت او برنامه‌ریزی کرد.
۴. آموزش باید کنجکاوای کودک را برانگیزد و قدرت ابتکار دانش‌آموز را رشد و گسترش دهد.
۵. آموزش باید همراه با انضباط و احترام باشد.
۶. یادگیری باید با عمل همراه باشد، با این روش آموزش زنده و فعال می‌ماند.

¹. Association of Waldorf Schools of North America

معلمان را جويا شد يا از روش «پيك نيك دلفاي» استفاده نمود. در روش «پيك نيك»، از يك نمونه جامعه معلمان دوره ابتدائي، نيازهاي آموزشي دانش آموزان را مي پرسيم. بر اساس نيازهاي مشخص شده از سوي معلمان، پرسشنامه جديدي مي سازيم و از گروهی از افراد، می خواهيم که نيازها را اولويت بندي نمايند. معلم در آموزش خود، بايد از روش هاي متنوعي استفاده نمايد، زيرا يك روش خاص، پاسخگوي تعليمات ابتدائي نيست. انتخاب روش بايد مبتني بر اهداف، نيازها، مخاطبان، سن دانش آموزان و ميزان رشد ذهني آنها باشد.

۳. ارزشيابي:

پس از طراحي و اجراي آموزش، ارزشيابي صورت مي گيرد. ارزشيابي، بايد بتواند تمامي اهداف را مورد سنجش قرار دهد، نه اين که فقط مبتني بر محفوظات دانش آموزان باشد. ارزشيابي، بايد از تمام ابعاد شناختي شخصي انجام گيرد، نه اين که فقط محدود به سطح دانش شود، بلکه بايد قوه فهم، تميز، به کار بستن، تحليل، تركيب، ارزشيابي و قضاوت دانش آموزان را نيز بسنجد (تقي پورظهير، ۱۳۸۷).

طراحي آموزشي

واکاوي و تحليل تحولات اجتماعي، نشانگر برخي عوامل کليدي و بنيادي است که آموزش از مهم ترين و پايدارترين آنها است. آموزش و پرورش در مفهوم وسيع آن، همه تلاش هاي سازمان يافته و غيرسازمان يافته اي را در بر مي گيرد که موجب انتقال ميراث علمي، فناوري و فرهنگي و اجتماعي يك جامعه از نسلي به نسل ديگر مي شود. همچنين يکي ديگر از رسالت هاي

مشخص مي کنند. پس از تعيين اهداف، مخاطب مورد توجه قرار مي گيرد. در مدرسه، مخاطب، همان دانش آموزان، علائق و نيازهاي آنها است. در اين جا بايد به ميزان رشد ذهني، سطح توانايي ها و سابقه خانوادگي آنها نيز توجه داشت. پس از تعيين اهداف و مخاطب، بايد براي رسيدن به اهداف، محتوای خاصی را پيش بيني نمود و به سازماندهی محتوا پرداخت.

۲. اجرا:

پس از تعيين محتوا، وسيله مشخص مي شود. منظور از وسيله، وسايل کمک آموزشي يا سخت افزار تکنولوژي آموزشي است که بايد هنگام آموزش مورد استفاده قرار گيرند. جايگاه نيازسنجي در اين سلسله مراتب کجاست؟ آیا ابتدا بايد نيازسنجي شود و پس از آن، تعيين هدف، محتوا و ... صورت گيرد يا اين که نخست هدف ها و سپس نيازسنجي و ... را مشخص کنيم. اهداف تعليم و تربيت، داراي منابعي هستند که يکي از آن منابع، نيازسنجي است. اهداف، بايد بر اساس نيازسنجي تعيين شوند. بنا بر اين، ما بايد نيازهاي افراد را صورت دقيق شناسايي کرده و بر اساس آن نيازها، اهداف تعليم و تربيت را مشخص کنيم. يکي از منابع تعيين نياز، دانش آموزان هستند. ولي از آنجا که در اين دوره، دانش آموزان نمی توانند نيازهاي خود را بيان کنند، نقش والدين و معلم در تعيين نيازها بسيار مهم است. دانش آموزان در اين سن قادر به بيان نيازهاي آموزشي خود نيستند، در نتيجه بايد نيازهاي آنها را به شيوه هاي مختلف کشف کرد. براي مثال، می توان نظر متخصصان تعليم و تربيت، اولياء تعليم و تربيت، دست اندرکاران نظام آموزشي و

فراگرد آموزش در این دیدگاه شامل درون داد، فراگرد و برون داد است. برای دستیابی به برون- دادهای مشخص لازم است که این برون دادها ابتدا به صورت بسیار روشن تعریف و بیان شوند (فردانش، ۱۳۷۸). اعمال نگرش سیستمی در حیطه طراحی آموزشی شامل فعالیت‌هایی مانند: نیازسنجی، تعیین و تجزیه و تحلیل اهداف آموزشی و تعیین بهترین راهکارهای دستیابی به هر یک از اهداف تعیین شده است. آن گاه ارزشیابی مداوم و مستمر سیستم آموزشی، برای یافتن نواقص و اشکالات و اقدام برای رفع آن نواقص صورت گیرد. از دیدگاه سیستمی، آموزش یک فراگرد و یک سیستم تلقی می‌شود که خود دارای زیرمجموعه‌های متعددی است و تعامل بین اجزا و زیر مجموعه‌ها، فراگرد آموزش را شکل می‌دهد. اهداف و عنصر ارزشیابی دائمی نیز از جمله عواملی است که در هر زمان سیستم آموزشی را با واقعیات خارج و سیستم‌های برتر پیوند می‌دهد. اهداف کلی نظام آموزش و پرورش، از طریق اهداف آموزشی مشخص برای هر برنامه آموزشی، به عینیت می‌رسد و تسری می‌یابد. به این ترتیب ارزشیابی نیز چه از نوع تکوینی آن باشد و چه از نوع نهایی‌اش، با فراسیستم‌های اجتماعی و فرهنگی ارتباط برقرار می‌کند (فردانش، ۱۳۷۲). رویکرد سیستمی، مبتنی بر جهت‌گیری معرفت‌شناسانه پوزیتیویسم و رویکرد روان‌شناسانه رفتارگرایی است که در دهه‌های اخیر، روان‌شناسی شناختی نیز بر آن افزوده شده است. سیطره پوزیتیویسم بر علوم طبیعی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به روان‌شناسی نیز تسری یافت. روان‌شناسان نیز که تا آن زمان به دنبال مطالعه ذهن بودند، این

خطیر آموزش و پرورش، ایجاد فرصت‌هایی برابر برای رشد و شکوفایی افراد جامعه به خصوص کودکان و نوجوانان است. آموزش عبارت است از هرگونه فعالیت، یا تدبیر از پیش طراحی شده‌ای که هدف آن، آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است. (سیف، ۱۳۸۴). طراحی محتوای آموزشی، یکی از عناصر مهم این فرآیند است و شاید هم مهم‌ترین عنصر. چرا که بدون وجود محتوای آموزشی و مطالبی برای آموزش و انتقال، آموزش بی‌معنا و مفهوم است. مقصود از محتوای آموزشی، هرگونه پیام کتبی، اعم از تصویری و نوشتاری و یا ترکیبی از آنها است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر افکار، ارزش‌ها و مهارت‌های مخاطب تاثیر می‌گذارد. در این برداشت، محتوای آموزشی، در برگیرنده طیف وسیعی از مطالب و موضوعات یادگیری در اشکال متنوع نوشتاری، تصویری و شنیداری است (سرکان اریک و کزار، ۲۰۱۰).

الگوهای طراحی آموزشی:

۱. سیستمی

طراحی نظام‌های آموزشی از ابتدا به عنوان زیرمجموعه‌ای از تکنولوژی آموزشی، مبتنی بر رویکرد سیستمی بوده است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ با ظهور ساخت‌گرایی، برخی از صاحب‌نظران به کارگیری رویکرد سیستمی در طراحی را مورد شک و تردید قرار دادند. این شک ریشه در تغییر دیدگاه‌های فلسفی و معرفت‌شناختی صاحب‌نظران طراحی آموزشی داشت (زمی‌زفسکی، ترجمه فردانش، ۱۳۸۹). در دیدگاه سیستمی به امر آموزش به عنوان یک فراگرد توجه می‌شود.

1. Serkan Arik & Kezer

برای طراحی آموزشی یا برنامه‌ریزی آموزشی، الگوهای مختلفی وجود دارد. به طور کلی می‌توان آنها را بر اساس نظریه‌های روانشناسی یادگیری و روان‌شناسی پرورشی به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته از این الگوها، بر این فرض استوار هستند که: رفتارها، دانش‌ها و باورهای مشخصی وجود دارند که باید آموخته شوند همچنین راهبردها یا شرایط آموزشی متفاوتی موجودند که هر یک، برای بخشی از آن اهداف، دانش‌ها و باورها مناسب‌تر هستند. هم نظریه‌های رفتاری و هم نظریه‌های شناختی برای این دسته از الگوها مثال-هایی ارائه داده‌اند (الگوهای آموزش محور). دسته دوم الگوهای طراحی آموزشی که به متغیرهای تحقیق ما بیشتر مرتبط هستند، برای سازمان دادن محیط‌های آموزشی که دانش آموزان را به هنگام حل مسئله و دستیابی به درک و شناخت‌های خود حمایت کنند، توصیه‌هایی ارائه می‌دهند. این نوع الگوها معمولاً به دیدگاه‌های ساختن‌گرایی مربوط می‌شوند (الگوهای یادگیرنده محور). در طراحی آموزشی یا برنامه‌ریزی آموزشی معلم محور، طراحی فعالیت‌های آموزشی معلم و فعالیت‌های یادگیری دانش آموزان، عمدتاً بر عهده معلم است. در طراحی آموزشی یادگیرنده محور یا مبتنی بر رویکرد ساختن‌گرایی، برنامه‌ریزی یا طراحی وظیفه مشترک معلم و دانش‌آموزان بوده و قابل مذاکره است، یعنی معلم و دانش‌آموزان با همدیگر در باره اهداف، محتواها، فعالیت‌ها و رویکردها تصمیم می‌گیرند (سیف، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری‌ها:

در مورد ویژگی‌های طراحی برنامه‌ریزی درسی، الگوهای مبتنی بر نقش و فعالیت‌های

جریان تحقیق را به نفع مطالعه رفتار آدمی رها کردند و با مطالعات رفتار حیوانات برای یافتن اصول حاکم برای یادگیری انسان به فعالیت پرداختند. البته این مطالعه با رعایت تمام ملاحظات و تحقیقات کمی و عینی و در شرایط کاملاً کنترل شده آزمایشگاهی بود. این رویکرد معرفت‌شناسانه، منجر به رشد و شکوفایی دیدگاه رفتارگرایی در روان‌شناسی شد که تا آن زمان، صرفاً بر داده‌های تجربی تکیه داشت و هر چیزی را که قابل مشاهده و اندازه‌گیری نبود، نفی می‌کرد و آن را غیر علمی می‌شمرد. بنابراین از دیدگاه این رویکرد فلسفی، دانش خارج از ذهن فرد وجود دارد و ساختار آن برگرفته از تحقیقات کمی صورت گرفته بر روی پدیده‌های ملموس و قابل اندازه‌گیری است (فردانش، ۱۳۹۴).

۲. سازنده گرایی:

یکی از عوامل مهمی که رشته طراحی آموزشی را در دهه ۱۹۹۰ تحت تاثیر قرار داد، افزایش علاقه به ساختن‌گرایی بود. مجموعه‌ای از نظرات مشابه (برخی آن را یک نظریه اطلاق می‌کنند) در مورد یادگیری و آموزش، در طول این دهه شهرت فزاینده‌ای یافت. اصول آموزشی ساختن‌گرایی عبارتند از:

- لزوم حل مشکلات پیچیده و واقعی به وسیله یادگیرندگان
- همکاری گروهی برای حل این مشکلات
- بررسی مشکلات از دیدگاه‌های مختلف
- در دست گرفتن مسئولیت فرآیند یادگیری خود (منفعل نبودن)
- آگاه بودن در باب نقش خود، در فرآیند ساخت دانش (فردانش، ۱۳۸۴).

برای تغییر کل محتوای کتب درسی دست به کار شوند. وزارت آموزش و پرورش نیز با صرف هزینه‌ها بودجه‌های فراوان این کار را انجام داده است و با برنامه‌ریزی درسی صحیح، کتب درسی دانش آموزان دوره دبستانی طراحی شده و آموزش داده می‌شود.

پیشنهاد‌های پژوهش:

۱. پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزی درسی، متناسب با مواد و منابع یادگیری و متناسب با الگو از سوی مراکز ذی ربط طراحی و تدوین گردد.
۲. پیشنهاد می‌گردد که جهت برنامه‌ریزی صحیح برای دانش آموزان دوره دبستان، مربیان و مدیران از آموزش‌های لازم در زمینه نحوه به کارگیری الگوهای برنامه ریزی درسی بهره مند شوند.
۳. پیشنهاد می‌گردد که برنامه‌های اجرایی، بیشتر بازی محور، رشد محور و خلاقیت محور باشند.
۴. پیشنهاد می‌گردد که در برنامه ریزی درسی، به محیط‌های غنی تری برای رشد خلاقیت کودکان فراهم گردد.

اجتماعی و الگوهای مبتنی بر فعالیت، علایق و نیازهای دانش آموزان، در طراحی برنامه درسی دوره دبستان با توجه به ماهیت و کارکردهای درسی از قابلیت بالایی برخوردار است. محوریت دانش آموز به عنوان منبع اصلی و هماهنگ کردن عناصر برنامه درسی با آن، از جمله ویژگی‌های طراحی برنامه درسی است.

در نظام آموزشی ایران، چون طراحی و تدوین و اجرای برنامه درسی در دو محیط جداگانه انجام می‌شود از این لحاظ، مؤلفه‌هایی از قبیل مؤلفه‌های: مبانی، اصول و مباحث، منطق، اهداف، محتوا و مواد و منابع بیشتر در طراحی و تدوین کاربرد دارند. بنابراین کنشگران سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی می‌توانند از آنها بهره‌مند شوند. همچنین، با توجه به متمرکز بودن نظام آموزشی در کشور ما و اهمیتی که کتاب‌های درسی در شکل دادن به روش آموزش معلمان و نیز نحوه ارزشیابی از دانش آموزان دارند، یکی از عواملی که می‌تواند در جریان آموزش نقش اساسی بازی کند، شیوه ارائه محتوا در کتاب‌های درسی و برنامه ریزی درسی است.

در نظام‌های آموزش متمرکز کتاب‌های درسی از اهمیت بسیاری برخوردار هستند و تقریباً عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا می‌گردد. کتب درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط‌مشی‌های آموزش دارند، کانون توجه بسیاری از دست اندرکاران آموزش و پرورش است. در نظام آموزشی همیشه تغییر کتاب بر اساس اهداف مشخص و روشی نبوده است. بلکه در پاسخ به پیشنهادها و نظرات معلمان و مربیان، آموزش بخشی از کتاب بوده است. همین امر مسئولان را واداشته است که

منابع و ماخذ:

۱. امیری، فرزاد؛ بهجتی اردکانی، محمدعلی. ۱۳۹۲. بررسی ساختار و چگونگی استقرار و ارزیابی نظام مدیریت کیفیت فراگیر در موسسات آموزشی، مجموعه مقالات همایش مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۲. بازرگان، سیمین. ۱۳۹۰. مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی چندبعدی-ماتریس زندگی، تهران: انتشارات مدرسه.
۳. پیری، رباب؛ ادیب، یوسف. ۱۳۸۸. الگوی بهینه برنامه درسی برای دوره پیش از دبستان، فصلنامه علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۵، صص ۸۲-۵۳.
۴. تقی‌پورظهیر، علی. ۱۳۸۷. برنامه ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم، تهران: نشر آگه.
۵. زمی زفسکی، ای جی. ۱۳۸۹. طراحی نظام های آموزشی، ترجمه دکتر هاشم فردانش، تهران: انتشارات سمت.
۶. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. ۱۳۹۰. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران؛ نگاهت ۴، تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
۷. سیف، علی اکبر. ۱۳۸۴. روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، تهران: نشر آگه.
۸. سیف، علی اکبر. ۱۳۸۷. روانشناسی پرورشی نوین روانشناسی یادگیری و آموزش (ویرایش ششم) تهران: انتشارات دوران.
۹. شریفی، علیرضا. ۱۳۹۲. بررسی وضعیت برنامه‌ریزی درسی در سیستم آموزش و پرورش ابتدایی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۱۹، صص ۷۳-۹۱.
۱۰. صافی، احمد. ۱۳۸۸. آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: نشر سمت.
۱۱. صفوی، امان‌الله. ۱۳۹۶. کلیات روش‌ها و فنون تدریس، تهران: نشر معاصر.
۱۲. گرمابی، حسن‌علی؛ ملکی، حسن؛ بهشتی، سعید؛ افهمی، رضا. ۱۳۹۴. طراحی و اعتباریابی الگوی بومی برنامه درسی دوره ابتدایی مبتنی بر مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر، فصلنامه مطالعات پیش دبستان و دبستان، سال اول، شماره دوم، صص ۳۲-۱.
۱۳. فردانش، هاشم. ۱۳۹۴. مبانی تکنولوژی آموزشی. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. فردانش، هاشم. ۱۳۷۸. مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. فردانش، هاشم. ۱۳۷۲. تحلیل کتاب درسی، نشریه سازمان و پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۳.
۱۶. قلتاش، عباس. ۱۳۸۸. نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه

21. Association of Waldorf Schools of North America. 2014. Study of Waldorf graduates in the USA, Part I, Part II.
22. Serkan Arik, R. Kezer, F. 2010. Content analysis of the principles books in the field of measurement and evaluation published in Turkey an in the world. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 9, 1400–1406. doi:10.1016/j.sbspro.2010.12.341.
- درسی دوره ابتدایی ایران به منظور ارائه طرح پیشنهادی برنامه درسی تربیت شهروندی، پایان نامه دوره دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).
۱۷. قلتاش، عباس؛ صالحی، مسلم؛ میرزایی، حسن. ۱۳۹۱. تحلیل محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی ایران از منظر توجه به ویژگی‌های شهروند جهانی، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال نهم، دوره دوم، شماره ۸، صص ۱۳۱-۱۱۷.
۱۸. مهرمحمدی، محمد. ۱۳۸۰. برنامه‌ی درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۱۹. ندیمی، محمدتقی؛ بروج، محمدحسین. ۱۳۹۴. آموزش و پرورش ابتدایی - راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: نشر مهرداد.
۲۰. هاشمی، سیداحمد. ۱۳۹۴. برنامه ریزی درسی (اصول و کاربرد)، تهران: نشر تایماز.